

یادداشت

غنی‌سازی و تحلیل هزینه-فایده

استدلال غربی‌ها همچنان این است که ایران به لحاظ تولید انرژی صلح‌آمیز نیازی به غنی‌سازی ندارد و سوخت نیروگاه بوشهر توسط روسیه تأمین می‌شود. ایران در مقابل ضمن تأکید بر نداشتن قصدی برای ساخت بمب اتمی و صدور فتوای رهبری در این مورد، همیشه تأکید داشته که غنی‌سازی به عنوان یک صنعت حق ایران است و در معاهده منع اشاعه ممنوع نشده و اگرچه ایران فعلا نیاز بمربی به آن ندارد، اما توسعه این صنعت ضروری است. با خروج ترامپ از برجام در می ۲۰۱۸ و در حالی که حمایت سیاسی اروپایی‌ها، چین و روسیه از برجام ادامه یافت، ایران بر مبنای اقدامات جبرانی غنی‌سازی را به‌طور نامحدود ادامه داد و این امر دوباره به مشکل اصلی در رابطه با غرب تبدیل شد. در دولت دوم ترامپ تا قبل از ۱۴ اردیبهشت با تناقض و نوسان مواضع در تیم ترامپ مواجه بودیم، اما در این تاریخ،ترامپ در مصاحبه‌ای با NBC و صحبت از «جمع‌شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران» شرایط را تغییر داد. از آن پس همه مقامات آمریکایی یک صدا از غنی‌سازی صفر در ایران سخن گفته‌اند. اکنون سؤال این است که آیا امکان تعدیل در موضع آمریکا درباره غنی‌سازی وجود دارد یا خیر. مسئله این است که دولت ترامپ با فشار اسرائیل از یک سو و فشار از ناحیه پایگاه رای و طیف‌های متنوع تندرواز جمله مسیحیان انجیلی از سوی دیگر در مخالفت با غنی‌سازی در ایران مواجه است. از جمله اخیرا همه سناتورهای آمریکایی غیر از رند پال و ۱۷۷ عضو مجلس نمایندگان طی نامه‌ای به ترامپ خواستار مخالفت او با غنی‌سازی در ایران شدند. متقابلا در ایران نیز مخالفت‌هایی جدی با توقف غنی‌سازی وجود دارد و دست نظام چندان در این مورد باز نیست. در چنین شرایطی، خلاقیّت و ابتکار ممکن است بتواند چاره کار باشد. در این رابطه، ظاهرا ایده‌های عمان می‌تواند بستر مناسبی برای انتعاف از هر دو سو باشد. این ایده‌ها ممکن است شامل تعلیق موقت و محدود غنی‌سازی ضمن حفظ ساختارهای فنی، مسکوت‌گذاشتن بحث غنی‌سازی و تمرکز بر سایر موضوعات و اعتمادسازی از این طریق، نیل به یک توافق موقت در ارتباط با کاهش سطح غنی‌سازی و حجم اورانیوم موجود در کشور در ازای کاهش برخی تحریم‌ها... باشد. بنابراین اگر اولویت را ادامه مذاکرات و جلوگیری از توقف آن بدانیم، هر دو طرف قاعدتا باید در ارتباط با ایده‌های عمان انتعاف لازم را نشان دهند.ترامپ به نحوی فراینده در حال تمرکز بر اقتصاد و جلوگیری از افزایش قیمت نفت و داشتن دستاوردی در سیاست خارجی و... است و به این خاطر او به‌جد باید دنبال احتراز از جنگ و جلوگیری از ماجراجویی اسرائیل باشد. ایران نیز باید قاعدتا لازم بداند که بر طیفی از مشکلات اقتصادی- اجتماعی، از جمله ناترازی‌ها و نیز شرایطی کاملا جدید در منطقه متمركز نشود؛ مشکلاتی که می‌توانند در صورت ادامه تنش و تحریم‌ها تشدید شوند. در چنین شرایطی، ممکن است مقامات ما نیز بخواهند نحوه تحلیل هزینه-فایده و تمرکز بر مشکلات واقعا موجود را در دستور کار قرار دهند. تنها در این صورت می‌توان به نجات مذاکرات و یافتن راه‌حلی امیدوار بود.

مبہوت در گل‌های قالی

آن فیش حقیقی هزار و ۵۰۰ تومانی، نمادی از گسست میان واقعیت زندگی مردم و تصورات حاکمان بود. امروز، فیش‌های حقوقی بسیاری از کارمندان دولت، معلمان، پرستاران و کارگران، در برابر تورم سرکش و هزینه‌های کمرشکن زندگی، همان کارکرد هشداردهنده را برای دولت دارد. آریا صدای این کارمندان که مستون فقرات اداره کشوروند و بار سستگین اجرای سیاست‌ها بر دوش آنهاست، به گوش دولتمردان می‌رسد؟ کارمندی که نگران اجاره‌بهای عقب‌افتاده، هزینه‌های درمان یا شهربه تحصیل فرزندش است، چگونه می‌تواند با تمرکز و دلسوزی به وظایف خود عمل کند؟ اصولا چگونه می‌توان از دستگاهی که کارکنانش درگیر نبردی روزمره برای بقا هستند، انتظار کارآمدی و تحول داشت؟ آنچه مرحوم نراقی با ظرافت به شاه گوشزد کرد، حقیقتی تلخ اما انکارناپذیر است: «اگر بی‌عدالتی هم منصفانه تقسیم گردد، خودش نوعی عدالت است». مردم شاید سختی‌ها را تاب بیاورند اگر ببینند که بار مشکلات، منصفانه توزیع شده و مسئولان نیز طعم این سختی‌ها را می‌چشند یا دست‌کم آن را با تمام وجود درک می‌کنند و برای رفع آن می‌کوشند. اما اگر احساس کنند که صدایشان شنیده نمی‌شود، یا بدتر از آن، برخی در سایه اهمال یا سوسمدریت‌ها از این وضعیت آشفته بهره‌مندند، آن‌گاه کاسه صبرشان لبریز خواهد شد. آقای پزشکيان، فیش حقوقی که نراقی به شاه نشان داد، تنها یک کاغذ نبود؛ فریاد خاموش مردمی بود که احساس می‌کردند دیده نمی‌شوند. امروز نیز هر فیش حقوقی تحیف، هر سفره خالی، هشداري است به دولت. به این هشدارها گوش فرادehید، پیش از آنکه دید شود. باید تدبیری عاجل اندیشید، پیش از آنکه محو و مبہوت گل‌های قالی شوید!

انحرافی تاریخی وتاریخ‌منحرف!

اما برخلاف این مغالطه آشکار، آنچه واقع شد و همچنان نیز متأسفانه با شدت و ضعف‌هایی ادامه دارد، آن است که از سال ۸۴ و افزایش درآمدهای نفتی وتوهم مدیریت جهانی، رویکرد توزع‌هی وعدالت‌محورانه با نفت سر آلودن پول نفت سر سفره مردم و تثبیت قیمت‌ها، به راهبرد اصلی اقتصادی کشور تبدیل و سبب تخلیه کامل درآمدهای نفتی می‌شود؛ «به‌طوری‌که سال ۱۳۸۹ به‌عنوان آغاز تخلیه و توزیع تمام منابع نفتی، نقطه شروع منفی شدن سرمایه‌بخش نفت و گاز شد که هنوز هم ادامه دارد» (نبلی- ۱۳۸۹/۱/۱۴). یکی دیگر از شالک‌های آن سیاست نیز چنان‌که گفته شد، رفتار ستیزه‌جویانه با خارج بود که پیام آن می‌شود تحریم‌های بین‌المللی. «هم‌تزمان ویژگی آن مسئولان این بود که... به‌جای آنکه به مدیریت ایران بپردازیم، به مدیریت جهان بپردازیم. یک‌سری شعارهای پوچ و بی‌اساس داده شد مثل هوپوگاسد که رابطه ما با دنیا را به هم زده (جهان‌گیری- ۱۴۰۳/۲/۳). همچنین در همین دوره نظام چندنرخ‌ی برای بسیاری از کالاها و سهمیه‌بندی شکل گرفت و قیمت‌گذاری دستوری گسترش یافت و در این میان گروه‌های ذیعف یا گرفتند و بار بانک مرکزی به جای تنظیم سیاست پولی و ثبات اقتصاد کلان شد توزیع ارز با قیمت‌های مختلف و... نتیجه آنکه هرچه فاصله بین قیمت‌های دستوری و بازار آزاد بیشتر، حاشیه سود گروه‌های ذیعف نیز بیشتر؛ تا به این‌جا هرچه تورم بالاتر، قدرت خرید مردم نازل‌تر اما سود این ذی‌نفعان که به مرور با ایجاد شبکه‌های مختلف و اسجام و هماهنگی با کانون‌های قدرت، توانمندتر هم شدند، افزون‌تر؛ شبکه‌ای که در ظاهر و با توجه جلودگی از نابودی ارزش‌ها و مبارزه با ظلم و مقاومت در برابر غارتگران و... هر روز سازمان‌یافته‌تر و صاحب قدرتی افسانه‌ای شد؛ چنان‌که از درآمد ۳۰ میلیارد دلاری آنان در سال سخن گفته می‌شود (عباس آخوندی- اسحاق جهانگیری- ۱۳۸۴) و مثلاً کشف مخازنی با ۲۱ میلیون لیتر سوخت قاجاق که معادل تولید روزانه یک پالایشگاه است (رئیس دادگستری هرمزگان- ۱۴۰۲/۲/۲۲) آن‌هم در بندری کوچک (بندر کلاهی) با خانه‌قصرهای قصه‌های شاه پریان در مجاورت خانه و کنشانه مردمی که پس از انفجار اخیر (اسکله شهید رجایی-) آرزو می‌کنند که «کاش جان‌مان می‌رفت نه مال‌مان!» (کزارش روزنامه شرق- ۱۳۸۴)، قصه اقتصاد سیاسی کشورمان با نفت و دولت بزرگ ناکارآمد درون‌گرا و فاقد سرمایه اجتماعی این خرّه خشم و کُذَر از آن انحراف تاریخی و تاریخ‌منحرف، امروز مانند یک کشاوز دیم‌کار عمل کرده که به آسمان نگاه می‌کند و اگر بارش باران خوب و متوسط باشد، کاشت محصولش هم به همان نسبت خوب خواهد بود؛ اگر خشک‌سالی بیاید، این کشاوز به عزا می‌نشیند و اگر بارندگی شدید بیاید، سیل همه چیز را با خود می‌برد... کمبود و وفور در آمدن نفت برای حکومت‌ها مانند خشک‌سالی یا سیل برای کشاوز دیم‌کار بوده که در هر دو وجه خرابی و خسارت به بار می‌آورد» (نبلی- همان). باطل‌الفسخر این خرّه خشم و کُذَر از آن انحراف تاریخی و تاریخ‌منحرف، روایت صحیح این قصه و آگاه‌کردن جامعه از زوایای تاریک و روشن اقتصاد و سیاست و شکل‌گیری شبکه‌های فساد در کشور است و تلاش برای کسب آزادی و ایجاد و تقویت نهادهای باز اقتصادی و سیاسی و وجود فراردا اجتماعی مناسب بین دولت و ملت و... تا شاید خانه‌مان روشن شود، خانه روشنان!

آدایه‌از صفحه اول

مهساژدهی: «لیبی پس از قذافی مانند زمینی بود که ناگهان از زیر یخ بیرون آمده باشد؛ همه چیز ممکن به نظر می‌رسید، اما شکننده و پرهرج‌ومرج، مردم از آزادی سخن می‌گفتند، اما نمی‌دانستند چگونه باید آن را ساخت». هشام مطر، نویسنده این سطور، کتاب «روایت بازگشت» را در سال ۲۰۱۶، یعنی پنج سال بعد از رسیدن بهار عربی به لبیی نوشت. در آن زمان دیگر روشن شده بود که ساقطکردن نظام پیشین و برگزاری نسبتا سریع یک انتخابات با حضور ناظران بین‌المللی، نمی‌تواند روی زخم‌های این کشور مرمه بگذارد. شاخه بهار عربی، میل مردمان عرب به مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی بود. در کشورهایی مانند لبیی، زور اصرار بر مشارکت سیاسی به دلیل ۴۲ سال زندگی زیر سایه دیکتاتوری مخوف، به دیگر خواسته‌ها می‌چربید. اما با گذشت ۱۴ سال، نه‌تنها دموکراسی، آزادی و حتی امنیت در آنجا مستقر نشده، بلکه کشور بر اثر درگیری‌های داخلی به دو بخش شرقی و غربی تقسیم و زیرساخت‌ها نابود شده‌اند و خشونت‌ی بی‌حد در لبیی جریان دارد.

وقتی ملت‌ها ایده‌ای برای آینده ندارند

زمانی که لبیبایی‌ها علیه قذافی شوریدند، به‌خوبی می‌دانستند چه چیزی نمی‌خواهند: آنها از کم‌شدن عزیزانشان، بی‌آبروشدن در مجامع بین‌المللی و ظلم و سرکوب هولناک خسته بودند. باین‌حال، درباره آینده چیزی نمی‌دانستند. معمر قذافی بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۱۱ حاکم بلامنازع در طرابلس بود. او از کاختی که به دارالسلام مشهور بود، به همه لبیبایی‌ها براساس دستوراتی که آنها را در سه جلد کتاب «سبز» منتشر کرده بود، حکم می‌راند. حاصل ۴۲ سال حکومت این مرد عجیب که از خیمه‌زدن در محوطه فضای سبز طرابلس، پاریس و نیویورک لذت عمیقی می‌برد، وحشتی عظیم بود. در سال‌های منتهی به انقلاب، لبیی به دلیل جمعیت شش میلیون نفری و ذخایر فراوان نفت، درآمد سرانه بالایی داشت و خدماتی همچون بهداشت و آموزش رایگان به شهروندان ارائه می‌شد. نرخ سواد از ۲۵ درصد پیش از سال ۱۹۶۹ به ۸۳ درصد در سال ۲۰۱۰ رسیده بود و رفاه نسبی و فرصت‌های شغلی زیادی وجود داشت. اوضاع برای مردم به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۰ و بعد از برداشته‌شدن تحریم‌های بین‌المللی بهبود پیدا کرده بود؛ اما در تمام این مدت، نظام سیاسی خشن قذافی عرصه را بر آنها تنگ می‌کرد. سرکوب خونیین چندنده‌ای، عدم شفافیت و فقدان گزارش‌های مستند، به ما اجازه نمی‌دهد تعداد کشته‌شدگان و ناپدیدشدگان در دوران قذافی را تخمین بزنیم. تنها در سال‌های پایانی حکومت او بود که برخی از هولناک‌ترین جنایاتی که زیر نظر قذافی رخ داده بودند، آشکار شدند. برای نمونه، دیگر می‌دانیم در زندان بدنام ابوسلیم که محل نگهداری مخالفان قذافی بود، تنها در یک روز هزارو ۲۷۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند. این کشتار پس از اعتراض زندانیان برای داشتن حداقل‌های انسانی در سال ۱۹۹۶ و با شلیک مستقیم سربازان در محوطه ابوسلیم رخ داد که بعدها با زندان باستیل فرانسه مقایسه شد. پیش از آن، در سرکوب‌های پرکنده دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی در طرابلس و بنغازی، هزاران نفر جان خود را از دست داده بودند. موضوع ناپدیدشدگان هم جدی بود. مأموران لبیبایی‌ها را در داخل و خارج از کشور می‌ربودند و بعد دیگر دست هیچ‌کس به آنها نمی‌رسید. عفو بین‌الملل می‌گوید هزاران نفر طی ۴۲ سال این شیوه ناپدید شدند. از فوریه سال ۲۰۱۱ تا اکتبر همین سال، ده‌ها هزار نفر از معترضان جان باختند. وقتی قذافی در یک ویدئو عجیب که ظاهرا در پناهگاشی ضبط شده بود، پشت میکروفن رفت و فریاد کشید که معترضان را کوچه به کوچه، صحرای به صحرای و خانه به خانه دنبال می‌کند، نظامیان دیگر برای آتش‌گشودن بر روی آنها بهانه‌ای نداشتند.

دموکراسی به‌مثابه دُری گران‌بها

در کشوری که ایجاد یک حزب می‌توانست به اعدام مؤسسان آن بینجامد، صحبت از احزاب، روندهای دموکراتیک، ان‌جی‌اوها و سندیکاها دشوار به نظر می‌رسید و باعث شد تا هر اقدامی برای شکستن بن‌بست سیاسی با استفاده از روش‌های دموکراتیک، با شکست مواجه شود. لبیی هم مانند تعداد دیگری از کشورهای خاورمیانه که با بهار عربی زیرورو شدند، فاقد زیرساخت‌ها و بنیان‌های لازم برای ایجاد یک نظام دموکراتیک بود. لبیی پنج برابر آلمان وسعت دارد و دو هزار کیلومتر از خط ساحلی مدیترانه را به خود اختصاص داده و مسیری برای پناه‌جویان ناامیدی است که در پی امنیت و غذا، به سمت اروپا حرکت می‌کنند. از سوی دیگر، این کشور دارای بزرگ‌ترین ذخایر اثبات‌شده نفت در آفریقااست و جمعیت کمی دارد.

آگهی دعوت به مجمع انجمن علمی اورژانس پیش بیمارستانی ایران
بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن علمی اورژانس پیش بیمارستانی ایران برای حضور در مجمع عمومی عادی نوبت اول انجمن که در روز جمعه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ ساعت ۱۵:۰۰ تا ۱۷:۴۵ بصورت الکترونیک به آدرس www.Election-iran.ir تشکیل می‌گردد دعوت بعمل می آید.
دستور جلسه: ۱- انتخابات هیات مدیره و بازرس بصورت الکترونیک در سامانه کمپیسون انجمن‌های علمی گروه پزشکی به آدرس: www.Election-iran.ir
دکتر حسن نوری - رئیس هیات موسس انجمن علمی اورژانس پیش بیمارستانی ایران

برگ سبز و سند کمبانی خودرو پرایدمدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۹۲ب۵۱۶ایران ۸۹
شماره موتور: ۵۰۶۰۰۲۴
شماره شاسی: NAS۴۱۱۱۰E۳۶۵۱۳۱۲
به نام مهدی رحمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی اینجناب محبوبه سادات آل داود فرزند سید عبدالحسین به شمار شناسنامه ۱۵۱۹۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته علوم تغذیه صادره از واحد دانشگاهی علوم و تحقیقات با شماره ۱۷۸۱۱۳۳۰۰۱مفقود گردید است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشانی تهران انتهای بزرگراه ستاری میدان دانشگاه بلوار حصارک ارسال نماید.

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند
انتشارات ناپیدا به مدیریت رامین کارگر به شماره پروانه نشر ۱۵۵۸۵ به اسم دالان تغییر نام داده شد.

چرا لبیی روز به روز از آرمان دموکراسی دور‌تر می‌شود؟

زمینی که از زیر یخ بیرون آمد



ژنرال‌ها دست‌بردار نیستند

تا زمانی که ژنرال‌ها بیش از آنچه باید در سیاست دخیل باشند، نوبت به دموکراسی نمی‌رسد. اولین بارقه‌های انشقاق در لبیی از همان روزهای اعتراض علیه قذافی شکل گرفت. محله‌ها و شهرها علیه دیکتاتور برخاستند؛ اما خطوط کسل فراوان بودند. وقتی پای حمایت‌های خارجی به میان آمد، اوضاع بدتر شد. گروه‌هایی که در ابتدا همگی با هدف پایین‌کشیدن قذافی از قدرت دست به دست هم داده بودند، حالا برای دریافت تسلیحات و حمایت رقابت می‌کردند. حتی ائتلافی که تحت عنوان شورای ملی انتقال شکل گرفت، به‌شدت شکننده بود. وقتی پایتخت سقوط کرد، شبه‌نظامیان به‌سرعت بنادر، زرادخانه‌ها و وزارتخانه‌ها را بین خود تقسیم کردند و ژنرال‌ها با پیش گذاشتن تا هرکدام گوشه‌ای از کار را بگیرند. غرب و نهادهای حقوق‌بشری برای مقابله با شبه‌نظامیان و افرای‌ها آمادگی نداشتند و درواقع به‌سرعت آچمز شدند و لبیی را تقریبا به حال خود رها کردند.

تقسیم قدرت در لبیی

همان‌طور که گفتیم، لبیی از دست ژنرال‌ها نجات پیدا نکرده و پاشنه آشیل این کشور کماکان میل فرماندهان ارتش برای کنترل کشور است. لبیی در حال حاضر بین دو قدرت سیاسی اصلی، یعنی دولت وحدت ملی در غرب کشور و ارتش ملی لبیی در شرق تقسیم شده است. دولت وحدت ملی از سال ۲۰۲۱ به رهبری عبدالحمید دبیه، تحت نظارت سازمان ملل شکل گرفت. دبیه، متولد ۱۹۵۹ در مصراته است و پیش از ورود به سیاست، به‌عنوان یک تاجر موفق و مدیر شرکت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه در لبیی شناخته می‌شد. او همچنین در دوره معمر قذافی در پروژه‌های توسعه‌ای نقش داشت و از نزدیکان سیفا‌الاسلام قذافی بود؛ اما پس از انقلاب ۲۰۱۱ به انقلابیون پیوست و در تأمین مالی نیروهای دولت لبیی علیه شبه‌نظامیان خلیفه حفرّ مشارکت کرد. دولت وحدت ملی کنترل طرابلس، پایتخت و شهرهای کلیدی مانند مصراته، زاویه، زلیتن و بخش‌هایی از غرب را در دست دارد. یکی از نیروهای وفادار به دبیه، نیروهای درع لبی هستند که گرایش‌های اسلامی داشته و البته مسلح محسوب می‌شوند و تشکیلشان به همان ابتدا انقلاب برمی‌گردد. در مصراته که تحت کنترل وادیه مصراته، زاویه، زلیتن و بخش‌هایی حضور دارند که قدرت زیادی داشته و از دبیه حمایت می‌کنند. کشورهایی همچون ترکیه، قطر و ایتالیا حامی دولت وحدت ملی هستند. این حمایت‌ها از سوی آنکارا به شکل ارائه تسلیحات و ایجاد پایگاه‌های نظامی در غرب لبیی است. قطر در این مسیر راهی مشابه ترکیه را در پیش گرفته است. خلیفه حفرّ و ارتش ملی لبیی، در شرق لبیی قدرت دارند. این ارتش مشکل از افسران سابق ارتش قذافی، شبه‌نظامیان قبیله‌ای و مزدوران خارجی است که رفتاری خشونت‌بار داشته و برای فتح طرابلس بی‌تابی می‌کنند. قبایل محلی قدرتمند شرق هم از حفرّ به‌عنوان رهبر لبیی حمایت می‌کنند. در این سو، کشورهایی همچون مصر، امارات، روسیه و فرانسه قرار دارند. حمایت‌های مصر و امارات، تسلیحاتی است که به درگیری‌های مسلحانه در لبیی دامن زده است. جالب است بدانید پایانه‌های نفتی لبیی نه در دست دولتی که سازمان ملل آن را به رسمیت می‌شناسد، بلکه در دست شبه‌نظامیان حامی حفرّ است.

در جنوب لبیی شامل شهرهایی مانند سیها، اوباری و غات، قبایل محلی قدرت را در دست دارند. هرچند ارتش حفرّ مایل است قدرت خود را در میان چنین قبایلی گسترش دهد، ولی به‌طور کامل موفق نبوده است. در کنار این موارد، دست‌کم چهار گروه شبه‌نظامی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۶۸۸/۱۶۰۳۶۰۲۱۰۱۴۰۳۶۰۲۱۰۱۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بااعمارض متقاضی آقای / خانم ناصر سبئی فرزند عبدالله بشماره شناسنامه ۴ شماره از سند مالکانه در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (۴۵۰ متر با کاربری صنعتی و ملکی با بهره برداری کشاورزی) به مساحت ۶۹۵ مترمربع پلاک ۳۳۷ فرعی از ۲۹ اصلخ بخش ۱۱ مفروز و مجری شده از پلاک - یک - فرعی واقع در سیاهورد سر خربداری رسمی آقای / ناصر سبئی مجرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف. ۱۹۴۶۹۱۶
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱
مهدی آزاد
از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک ۱۷۹۱

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۶۸۸/۱۶۰۳۶۰۲۱۰۱۶۰۳۶۰۲۱۰۱۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بااعمارض متقاضی آقای / خانم کریم ستاره صبیح فرزند حمید بشماره شناسنامه ۸۸۰ شماره از تهران در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی با بهره برداری کشاورزی به مساحت ۲۱۴/۵ مترمربع پلاک ۱۸۸۹ فرعی از ۳۰ اصلی بخش ۱۱ واقع در متوربع خربداری از مالک رسمی آقای / خانم عباس توکلی مجرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف. ۱۹۴۶۹۰۶
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱
مهدی آزاد
از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک ۱۷۹۲

با سلاح‌های فراوانی که از جاد، روسیه و... به دستشان می‌رسد، در لبیی قدرت دارند. دخالت کشورهای خارجی وضعیت لبیی را بحرانی‌تر کرده است. برای قطر و ترکیه حمایت از دبیه به معنای گسترش نفوذ خود در مدیترانه و شمال آفریقااست. مصر، امارات و روسیه نیز با دولتی اقتدارگرا در لبیی موافق هستند که منافع آنها را مدنظر قرار دهد.

سقوط قذافی آزادی به بار نیاورد

تقریبا ۱۴ سال از روزی که جوانان مسلح لبیبایی بالای سر جنازه خونیین معمر القذافی عکس یادگاری گرفتند، می‌گذرد؛ باین‌حال، چشم‌انداز روشنی برای این کشور دیده نمی‌شود. آنهاپی که با بدین مرگ قذافی تبعید را رها کرده و خانه را در پیش گرفتند، حالا از ایجاد حکومت دموکراتیک، تأمین امنیت از سوی دولت یا حتی حفظ یکپارچگی لبیی ناامید شده‌اند. در ماه‌های نخست بعد از انقلاب، نهادهای گوناگون و جمعیت‌های متنوعی شکل گرفت که همگی برای برگزاری یک انتخابات شفاف عجله داشتند. کمتر از ۲۵۰ روز بعد از پیروزی انقلاب لبیی، انتخاباتی نسبتا سالم در این کشور برگزار شد؛ اما رفتن پای صندوق‌های رای پس از ۴۲ سال، تواناست آینده لبیسی را تضمین کند. شهروندان لبیی برای دهه‌ها به نهادهای مستقل مثل دانشگاه، رسانه، دادگاه عادل و... دسترسی نداشته‌اند. آنها برای انتخاب رهبران خود تربیت نشده بودند. قذافی با انتشار گسترده کتاب سبز خود و دستورات آن، تا حد امکان از ظهور شهروندان آگاه و متعهد به دموکراسی جلوگیری کرد. آنها طی سال‌ها از تکیه بر تفکر انتقادی باز داشته شدند و وحشت از تنبیه، در فضاهای عمومی که می‌توانستند برای بحث و گفت‌وگو در مورد سیاست و آزادی مورد استفاده قرار بگیرند، حاکم بود. پس از سقوط حکومت قذافی، نظریات توطئه جای تحلیل را گرفت؛ لبیبایی‌ها به دلیل ۴۲ سال زندگی زیر سایه وحشت، به یکدیگر اعتماد نداشتند. به اعتقاد برخی از ناظران، برخلاف برخی بزرگ‌تر شد که شورای ملی انتقالی در طرابلس اعلام کرد، به انقلابیون مقرر ی ماهانه خواهد داد. ناگهان کسانی که مشکلی هم با قذافی نداشتند، خود را انقلابی نامیدند و درگیری‌ها بالا گرفت. از اواخر سال ۲۰۱۲، گروه‌های مسلح در لبیی شامل کهنه‌سربازان مبارز، اعضای مسلح قبایل، مجرمان و تبهکاران بودند که هرکدام بر یک گوشه از کشور حکم می‌راندند. آگاه‌کردن جمعیت هفت میلیون نفری لبیی، تنها راهی بود که می‌توانست مقابل گسترش خشونت‌ها و توسل به زور و از بین رفتن یکپارچگی در این کشور بایستد؛ اما این مسیر به‌هیچ‌وجه ساده نبود. به دلیل تلاش‌های فعالان مدنی، زنان در اولین انتخابات کنکره ملی لبیی ۱۷.۵ درصد از آرا را به دست آوردند. انتخابات اما صلح و امنیت را برای لبیی به بار نیاورد. مواردی همچون آزادی، کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و... به‌سرعت جای خود را به عدم تحمل دیگری، حذف و انتقام دادند. درحالی‌که کشور نیاز به گفت‌وگوهای ملی و همکاری ملی داشت، هر یک از گروه‌های سیاسی و نظامی سلاح به دست گرفتند و در تخریب و سرکوب دیگری با یکدیگر مسابقه دادند. یکی از دلایل چنین وضعیتی از دیدگاه ناظران این بود که معمر قذافی طی دهه‌ها به تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و بافت اخلاقی جامعه لبیی دست زده بود.

زهر! لانگهی که یک فعال مدنی و حقوق‌بشری شناخته‌شده لبیبایی محسوب می‌شود، معتقد است با وجود اینکه حضور زنان در کنکره ملی رقم خورد، این اتفاق مانع از خشونت و خشم در لبیی نشد. لانگهی مانند دیگر روشنفکران این کشور معتقد است لبیی نیاز به شفقت و بخشش دارد. او می‌گوید جامعه لبیی نیاز دارد تا شفقت را به‌جای انتقام، همکاری را به جای رقابت و بربرداری را به جای حذف دیگری بگذارد و اینها آرمان‌هایی هستند که با حضور زنان کارآمد در قدرت و همکاری همگان به دست خواهد آمد. روشنفکران لبیبایی، محافظه‌کار یا لیبرال بیش از هر چیز از دخالت کشورهای خارجی در امور داخلی لبیی شکایت دارند. افرادی مانند هشام مطر، نویسنده برنده جایزه پولیتزر که فرزند یکی از سرشناس‌ترین مخالفان قذافی است و پدرش در زندان ابوسلیم احتمالا کشته شده، از معدود افرادی است که به ریشه‌های وضعیت فعلی پرداخته و معتقد است مرمحی که از آزادی فردی می‌رند، آن را نمی‌شناسند. افرادی همچون سلوی بووقعیقس که فعال مدنی و حقوق زنان بود و در سال ۲۰۱۴ در شهر بنغازی ترور شد، خواستار مشارکت بیشتر زنان در امور لبیی با هدف کاهش تنش‌ها و خشونت‌ها بود. این همان موضوعی بود که باعث شد او خودش هم قربانی خشونت شود. گروه اندکی از روشنفکران لیبرال که در ابتدا حامی دخالت ناتو در امور لبیی بودند، بعدها راه چاره را دخالت کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللی برای حل بحران‌های داخلی و آموزش به شهروندان دانستند. تقریبا از سال ۲۰۱۲ برای بسیاری از ناظران مسلح جلد شد بود که لبیی به‌سرعت در سراسریشی حرکت می‌کند؛ باین‌حال، به دلیل تفرقه سیاسی و کشمکش‌های فرقه‌ای و قبیله‌ای، روند رسیدن به دموکراسی از نفس افتاد و جای خود را به خشونت‌های بی‌رحمانه داد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۶۸۸/۱۶۰۳۶۰۲۱۰۱۶۰۳۶۰۲۱۰۱۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بااعمارض متقاضی آقای / خانم یوسفعلی احمادی مقدم فرزند حمید بشماره شناسنامه ۸۱ شماره از اصل در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری زراعی) که میزان ۳ سیر مراع از عرصه آن وقف می باشد به مساحت ۷۸۷۲۰ مترمربع پلاک ۱۰۷۱ فرعی از ۷ اصلی بخش ۱۰ واقع در کلیده خربداری از مالک رسمی آقای / خانم بزرگ صداقت مجرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف. ۱۹۴۶۹۱۱
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱
مهدی آزاد
از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک ۱۷۹۲

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۶۸۸/۱۶۰۳۶۰۲۱۰۱۶۰۳۶۰۲۱۰۱۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بااعمارض متقاضی آقای / خانم علی محمدی فرزند محسن بشماره شناسنامه ۸۸۱ شماره از گرگان در ششداگ یک قطعه زمین مزروعی با بهره برداری کشاورزی به مساحت ۲۶۲/۵۰ مترمربع پلاک ۱۸۹۰ فرعی از ۳۰ اصلی بخش ۱۱ واقع در متوربع خربداری از مالک رسمی آقای / خانم عباسعلی توکلی مجرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م.الف. ۱۹۴۶۹۹۹
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱
مهدی آزاد
از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک ۱۷۹۴